

هو الله

ای دوست ملکوتی از آن دم که فراق حاصل و توجّه به اروپ و امریکا نمودی هر دم یاد تو نمایم و بدرگاه الهی تضرّع و زاری نمایم و ترا تأیید و توفیق جویم و امیدم چنین است که بهر دیار که مرور نمائی ندای ملکوت بلند کنی و علم آسمانی برافرازی و جلوه رحمانی نمائی و بتأیید روح القدس زبان بگشائی و نفوس تشنه را بماء حیات ابدیه بخوانی و بنار و روح تعمید دهی چنان صوت صافوری زنی که مردگان زنده شوند و کوران بینا گردند و کران شنوا شوند و خاموشان زبانی گویا یابند

ای رفیق مهربان ملکوت الهی در نهایت قوّت ولی لشکر حیات جسور باید تا تأییدات متتابعاً بیخشد امیدوارم که مانند ابر بهاری بهر حدود و ثغور که مرور نمائی فیض برسانی و سبز و خرم فرمائی و یا مانند نسیم جانپروور نفوس علیله را حیات تازه بخشی و برایشه محبت الله مشامها معطر نمائی علم وحدت عالم انسانی برافرازی و ریشه تعصّب مذهبی و وطنی و جنسی و سیاسی براندازی و سبب الفت و یگانگی بین احزاب مختلفه گردی الحمد لله ابواب ملکوت باز است و در شرق و غرب نفوس بکمال اشتیاق و دخول متتابع و میدان واسع است و وقت جولان است و هنگام ظهور قدرت و قوّت دل و جان طوائف عالم و احزاب و امم مانند حشرات و خراطین در طبقات سفلیّه ارض سعی و کوشش مینمایند و بقوّه هندسه طرحهای عجیب غریب میریزند و از برای خود لانه و آشیانه میطلبند تو کاری کن که این کرمهای مهین طیور علّیین گردند بال و پر بیابند و در این فضای نامتناهی برپزند

ای رفیق انوار حقیقت منتشر است همّتی نمائید تا چشمها بینا گردد و مشاهده انوار و آثار نماید حیف است که نفوس از فیض موفور ملکوت در این عصر مبارک و قرن نورانی محروم مانند پس تو خود را فدای نفوس انسانی نما تا سبب شوی جمعی از فقرا بگنج آسمانی پی‌برند و مریضان بطیب ربّانی راه یابند و ناتوانان قوّت ملکوتی جویند و یتیمان پدر آسمانی بشناسند افسردگان تر و تازه شوند و نومیدان بموهبت حضرت رحمن امیدوار گردند تشنگان بسرچشمه حیات پی‌برند و خائفان به پناه امن و امان التجا کنند

ای رفیق لذائذ و نعماء ناسوتی محدود و فانیهست و چون بحقیقت نگری و تعمّق نمائی لذائذ اینجهان دفع آلام است یعنی تشنگی صدمه و بلاست آب تسکین آن حرارت نماید نه اینست آب فی حدّ ذاته لذّتی دارد و همچنین گرسنگی صدمه زند غذا دفع آن محنت نماید نه اینست غذا فی حدّ ذاته لذّتی دارد و همچنین خستگی مشقّت است خواب دفع آن مشقّت نماید نه اینست که خواب فی حدّ ذاته لذّتی دارد جمیع لذائذ عالم فانی از این قبیل است آنچه لذّت حقیقی دارد آن فیوضات ملکوت است و فضائل و کمالات انسانی است علم و دانش است صفات رحمانیهست و حیات ابدی است و علیک البهآء الأبهی ع ع

[یادداشت]

۱. رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه ”بهاء“ است. ←

این سند از www.bahai.org/fa/legal [کتابخانه دیجیتال](#) دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۴ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۴:۰۰ بعد از ظهر